

حجت الاسلام علی کشوری مطرح کرد:

# تداوم خطر یکسان‌انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلام

امیر مهدی خوش صحبتان

متن حاضر ماحصل گفت و گوی اختصاصی کیهان فرهنگی با حجت الاسلام علی کشوری در باره الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی است. وی در این مصاحبه از تداوم خطر یکسان‌انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی پرده بر می دارد.

مؤمنان بوده است. همچنین در «مرحله نظام اسلامی» هدف اصلی تشکیل هندسه کلی نظام و تثبیت نظام در مقابل تهاجمات خارجی بوده است و در «مرحله دولت اسلامی» هدف اصلی تبیین تفصیلی نظریه اداره جامعه بر مبنای اسلام و تحقق تام دولت اسلامی است. البته انقلاب در مرحله جامعه اسلامی و مرحله تمدن اسلامی هم اولویت هائی خواهد داشت.

ما در گزارش قبلی سعی نمودیم که خطر اصلی در مقابل هدف اصلی مرحله سوم انقلاب را تبیین کنیم. خطر این مرحله چیست؟ خطر این است که چون موضوع الگوی پیشرفت اسلامی یک موضوع تأسیسی و جدید محسوب می شود، ممکن است با موضوع مشابه خودش-یعنی توسعه غربی- یکسان انگاشته شود. به عبارت دیگر چون ادبیات توسعه در جامعه رواج دارد، باید مواظب باشیم که در فرآیند تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از الگوهای توسعه تأثیر نپذیریم. خروجی کارمان در فرآیند تولید الگوی پیشرفت باید الگویی دینی برای اداره جامعه بشود؛ نه الگویی که نام دینی بر آن بگذاریم ولی ماهیتاً با الگوهای سکولار توسعه تفاوتی چندانی نداشته باشد. این خطر از روز اول با یک بررسی و ملاحظه دقیق قابل

**کیهان فرهنگی: در مصاحبه پیشین شما با کیهان فرهنگی؛ در مورد خطری با عنوان انحلال الگوی پیشرفت اسلامی در الگوی توسعه غربی صحبت کردید. می‌خواهیم از همین نقطه عزیمت، بحث را آغاز کنیم؛ آیا این خطر هنوز وجود دارد یا نه؟ اگر وجود دارد در چه مفاهیمی رشد کرده و نمود بیرونی اش چه بوده است؟**

**حجت‌الاسلام کشوری:** آن خطر، به صورت کامل در سال ۱۳۹۳ بروز کرده و در ماههای آینده بروز بیشتری هم خواهد داشت. همه بحث ما در گفت‌وگوی قبلی، تبیین خطری بود که بر سر راه هدف اصلی انقلاب اسلامی وجود دارد. هدف اصلی انقلاب چیست؟ هدف اصلی انقلاب تحقق آرمانهای اسلامی-مانند عدالت و احیای نهاد خانواده- است و چون ما با الگوی توسعه غربی به این اهداف نمی‌رسیم، پس تولید الگویی که ما را به این هدف برساند، خودش می‌شود هدف اصلی انقلاب. در این مرحله از انقلاب دستیابی به این الگو، هدف اصلی است. به عبارت دیگر انقلاب در هر مرحله از حیات خود با یک دغدغه اصلی روبرو است: در «مرحله ی انقلاب اسلامی» دغدغه اصلی، حذف رژیم قبل و تقویض اختیارات به

هر حال با اینکه ما عمدتاً از الگوهای توسعه غربی در برنامه ریزی استفاده کرده ایم، ولی وضعیت شاخص عدالت در جمهوری اسلامی راضی کننده نیست. اگرچه پیشرفت‌هایی داشته‌ایم ولی به استانداردی که اسلام تعریف کرده نرسیده‌ایم و این راضی کننده نیست. وضعیت بقیه شاخص‌ها هم همین طور است! می‌خواهم بگویم ما تجربه‌ی حدود سه دهه استفاده از الگوهای موجود را داریم. سؤال من این است- و خطر را این جا می‌بینم- وقتی

این الگوها در مورد شاخص عدالت جواب نداده چرا کارشناسان توسعه، باز هم به توسعه دعوت می‌کنند؟ ممکن است بگویند به دلایلی این الگوها در ایران به صورت کامل پیاده نشده است؛ که در این صورت می‌پرسم؛ چرا در کشورهای توسعه یافته عدالت وجود ندارد؟! همچنین می‌پرسم چرا در کشورهای توسعه یافته خانواده دچار فروپاشی شده است؟! به نظر من ادبیات توسعه به این سؤالات پاسخ نمی‌دهد. با این که در مطلوبیت عدالت و خانواده و اثر این دو موضوع در ارتقای کیفیت زندگی کسی تردید ندارد؛ ولی می‌بینیم به این شاخص‌ها در توسعه توجه نمی‌شود. امروز تجربه جهانی توسعه و تجربه برنامه ریزی توسعه برای این دو شاخص پیش روی همه ما قرار دارد.

خطر زمانی واضح تر می‌شود که در دهه چهارم انقلاب اسلامی و بعد از بررسی این تجربیات، می‌شنویم که آقای مسئولی در تلویزیون می‌گوید: کشور ایران باید توسعه پیدا کند! و توسعه همان چیزی است که شما نام آن را پیشرفت اسلامی- ایرانی می‌گذارید! آقایان موضوع را در حد یک دعوی لفظی تنزل می‌دهند! این آقا الان در جامعه اسلامی مسئول است و بعد از این همه ناکارآمدی الگوهای توسعه- در فضای بین‌المللی و در فضای داخلی نسبت به تحقق شاخصه‌هایی که ما مطلوب می‌دانیم- می‌گوید که دعوی توسعه و پیشرفت یک دعوی لفظی است! این کلام یعنی شما پسندیده‌اید که کلمه «پیشرفت» را به کار ببرید و ما پسندیده‌ایم کلمه «توسعه» را به

چون ادبیات توسعه در جامعه رواج دارد، باید مواظب باشیم که در فرآیند تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از الگوهای توسعه تأثیر نپذیریم. خروجی کارمان در فرآیند تولید الگوی پیشرفت باید الگویی دینی برای اداره جامعه بشود؛ نه الگویی که نام دینی بر آن بگذاریم ولی ماهیتاً با الگوهای سکولار توسعه تفاوتی چندانی نداشته باشد.

تشخیص بود؛ ولی در سال ۱۳۹۳ نشانه‌هایی واضح دال بر این موضوع قابل رؤیت است. در یک جمله، به نظر بنده سال ۱۳۹۳ سال پرچم‌های دروغین در حوزه الگوی پیشرفت اسلامی است.

**کیهان فرهنگی: با توجه به اینکه نهادها و جریان‌های مختلفی مدعی پرچم‌داری این قضیه هستند ما می‌لیم به جریان‌شناسی سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها و جریانات فکری-سیاسی کسانی که الگوی پیشرفت را پیگیری می‌کنند بپردازیم.**

**حجت‌الاسلام کشوری:** من عرض قبلی‌ام را شرح بیشتری دهم تا از دلش پاسخ به سؤال حضرت عالی استخراج شود. ببینید! همانطور که گفتم الگوی پیشرفت اسلامی نیاز اصلی انقلاب در این مرحله است. توضیح بیشتر اینکه انقلاب اسلامی به وجود آمده است تا اهدافی مانند عدالت، حفظ عزت مردم، احیای نهاد خانواده و بقیه شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کند و در طول ۳۶ سال گذشته نهاد‌های نظام از الگوهای موجود برای تحقق این ارزش‌ها استفاده کرده‌اند. من سؤال می‌کنم که شاخص‌هایی مانند عدالت، سلطه ستیزی، استقلال کشور، احیای نهاد خانواده و بقیه شاخص‌ها با پیاده شدن الگوهای غربی تقویت شده یا تضعیف؟ البته فرآیند کلی انقلاب در جهت تثبیت این شاخص‌ها بوده است ولی الان می‌خواهیم اثر برنامه‌های توسعه در تحقق این شاخص‌ها را بررسی کنیم.

در دوره‌ای کارشناسان توسعه گفتند که اول باید اجازه داد کیک توسعه بزرگتر شود تا در اثر توزیع این کیک بزرگتر، قطعات بزرگتری نصیب ملت شود! عملاً می‌گفتند عدالت بعد از توسعه! بعد ما این مطلب را علنی تر بیان کردند و گفتند معنا ندارد عدالت مقدم بر توسعه و یا همزمان با آن مطرح شود. گفتند این حرف‌ها گداپروزی است، سیاست کمیته امدادی است. تعبیرهای تحقیرآمیز فراوانی در باره این موضوع مطرح کردند. این اظهارات در دوره‌های شدیدتر و در دوره‌های دیگر با شدت کمتری ابراز شده است. به



کار ببریم، اما هدف یکی است! مسئله یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی - که از خطر آن صحبت کردیم - یعنی این- این یکی از آن نشانه های واضح است که در سال ۱۳۹۳ نمایان شده است.

**کیهان فرهنگی: شما معتقدید که جریان هایی به نام الگوی پیشرفت، همان مباحث توسعه را پیگیری می کنند. توضیح بیشتری دهید. می خواهیم اینها را جریان شناسی کنیم. و ریشه**

**آن پرچم های دروغین را بررسی کنیم و بدانیم چه برندهای علمی ای دارند؟**

**حجت الاسلام کشوری:** ببینید! در شکل گیری و تشدید «یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی» دو جریان دارند نقش ایفا می کنند؛ یک جریان از روی غفلت و عدم توجه - علی رغم همه هشدارهایی که داده شده است - و جریان دیگر به خاطر این که اصلاً معتقد به پیشرفت اسلامی نیست و کار را می خواهد براساس الگوی توسعه غربی جلو برد ولی حالا که یک خط گفتمانی برای الگوی پیشرفت اسلامی راه افتاده است؛ مجبور است حرفش را زیر چتر الگوی پیشرفت اسلامی جلو ببرد. پس یک طرف داستان تلخ یکسان انگاری، جریانی است که حتی پیشرفت اسلامی را درک نکرده و طرف دیگر هم، جریان طرفدار الگوی پیشرفت اسلامی است

که راجع به موضوع الگو کلی گویی می کند و برای مقابله با آفت بزرگ یکسان انگاری برنامه ای ارائه نمی کند؛ ما هر دو را باید بررسی کنیم. من از جریانی که الگوی پیشرفت اسلامی را نمی فهمد شروع می کنم.

در جلسه و گفتگوهای تبیین لایحه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ از یک طرف گفته شد که انقلاب معتقد به توسعه غربی با تعاریف موجود نیست ولی از طرف دیگر گفته شد که دولت معتقد به نگاه نهادگرایی در حوزه اقتصاد است. به نظر شما جمع بین این دو

چیسست؟ ممکن است گفته شود در شرایط موجود ما مجبوریم کشور را اداره کنیم و انتخاب مدل اداره از میان الگوهای موجود (من دارم نظر آقایان را شرح می دهم) یک مسئله انکارناپذیر است و نمی شود کشور را تعطیل کرد. تا این جای حرف، به یک شرط منطقی است. اگر شما ناکار آمدی این مدل ها را قبول دارید؛ باید دو پیوست را به برنامه ریزی هایتان اضافه کنید؛ اولین پیوست باید پیوست تحقیقاتی باشد. از این آقایان می پرسم - در طول این سال ها - چرا برنامه های شما پیوست تحقیقاتی نداشته است؟ اثر پیوست تحقیقاتی کجا خود را نشان میدهد؟ در پیوست تحقیقاتی محورهای تحول در برنامه توسعه به سمت پیشرفت اسلامی باید مطالعه شود. نبود این پیوست نشان می دهد که حتی ضرورت الگوی پیشرفت اسلامی هم درک نشده است.

دومین پیوست باید تقویت موضوعاتی مانند عدالت و خانواده را در دستور قرار دهد. برای برنامه های کشور باید پیوست خانواده تهیه شود، مثال

**خطر زمانی واضح تر می شود که در دهه چهارم انقلاب اسلامی و بعد از بررسی این تجربیات، می شنویم که آقای مسئولی در تلویزیون می گوید: کشور ایران باید توسعه پیدا کند! و توسعه همان چیزی است که شما نام آن را پیشرفت اسلامی - ایرانی می گذارید! آقایان موضوع را در حد یک دعوی لفظی تنزل می دهند!**

می زنم؛ با اینکه ما در زمینه افزایش جمعیت [۱] دچار مشکل هستیم؛ ولی آقایان پیوست تقویت نهاد خانواده را تهیه نکرده اند؟ چرا در مقابل مرخصی زایمان مقاومت می کنند؟ چرا شغل انگاشتستن کار در خانه، بیمه کردن بانوان خانه دار، بازنگری در ساعات کار بانوان و بازنگری قوانین کار مربوط به بانوان محترم و دهها مورد دیگر به برنامه های مبتنی بر نگاه نهاد گرائی پیوست نمی شود؟ این کارها را

که می شود انجام داد. همچنین پیوستی برای عدالت لازم است. دارم کف انتظار نیروهای انقلاب در زمینه اداره کشور را تشریح می کنم. می گویم اگر شما در معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری یا در معاونت های طرح و برنامه وزارتخانه ها به این فائید که الگوهای توسعه الگوهائی برتر نیستند؛ در ۲۵ سال گذشته باید پیوست های تحقیقاتی و پیوست های فرهنگی را اضافه می کردید. ماده برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی [۲] - همین برنامه ای که الان دارد اجرا می شود - می گوید که دولت باید پیوست طرح های مهم کلان کشور و نگاه های مهم را تهیه و تنظیم کند. چرا این پیوست ها تنظیم نمی شود؟ با اینکه حکم قانونی برنامه است؛ کسی در مجلس راجع به آن تذکر نمی دهد؟ از این شواهد و دلایل می شود فهمید که ما دچار آفت یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی هستیم.

اجازه دهید بندهائی از لایحه دولت برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت [۳] را بررسی کنیم - این لایحه در سایت امور تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دسترس است - ماده ۱۹ آن می گوید که شاخص های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را دولت تنظیم، ارزیابی و اجرا می کند. بحث اصلی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بحث شاخص ها است ولی دولت محترم می گوید این شاخصها را درونی تنظیم می کنیم! راجع به ماهیت این شاخص ها در لایحه مذکور بحث نشده است. در



این لایحه که ۲۱ بند دارد شما شاهد بیان غیر دقیق برخی کلیات انقلاب هستید که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، و گفتمان انقلاب هم آمده است. در این لایحه - به عنوان مثال - از مفهوم نظام سازی اسلامی، که از نظر اندیشه انقلاب اسلامی پایه تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است تبیینی ارائه نشده است.

ما بلافاصله بعد از آن که لایحه الگو منتشر شد با دوستانمان تشکیل جلسه دادیم و بررسی دقیقی انجام دادیم، تا بفهمیم که این لایحه چه می گوید؟ این لایحه چهار کلید واژه اصلی دارد: "ارزش های الگو"، "مبانی الگو"، "جهت گیری الگو" و "اهداف الگو". در بعضی از بندها مشاهده می شود عناوینی که ذیل ارزشهاست با اندکی اختلاف ذیل مبانی تکرار شده است. همان عبارتی که در مبانی آمده است با اندکی اختلاف در بخش دیگر. یعنی اصلاً تفکیک این کلیات هم معلوم نیست! البته در جایی که قرار است این لایحه به سمت برنامه، اجرا و ارزیابی برود، کار را به خود

**جریان حرکت کنیم. بر اساس نقشه راه شما  
اصلی ترین تدبیرها برای مقابله با این مسئله  
کدام است و اولویت‌ها چگونه است؟**

**حجت‌الاسلام کشوری:** اجازه دهید قبل از این که بحث «شاخص‌های هویت اسلامی» را گزارش بدهم کلیتی از «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» را بگویم. ما در این نقشه راه - که اگر امکان‌ش بود به ضمیمه این گزارش منتشر شود، تا فضای دقیقی از ابعاد

الگوی پیشرفت اسلامی را ارائه دهد- دو کار عمده انجام داده ایم: اولین کار ما این است که به صورت تفصیلی انقلاب اسلامی را ذیل اصطلاح "جهت حرکت انقلاب اسلامی" تعریف کرده ایم. در نقشه راه پیشنهادی ما انقلاب با استفاده از مبنای "هدایت نظامات ذهنی" و با روش تنظیم "الگوی نظام سازی اسلامی" به طور تفصیلی معنا می شود. خلاصه بحث ما در این بخش این است که در ارزیابی انقلاب اسلامی باید مفهوم نظام سازی اسلامی را مبنا قرار داد. هر کسی مفهوم نظام سازی اسلامی را درک نکند نمی تواند کمک تام و کاملی به انقلاب داشته باشد. نظام سازی اسلامی با سیستم سازی و تفکر سیستمی متفاوت است. این نظام سازی ۵ گام دارد. ما دو گامش را طی کرده ایم و الان در مرحله دولت اسلامی هستیم. مرحله دولت اسلامی یعنی نظام سازی تفصیلی در همه بخش ها. ما در همه بخش ها نظام سازی اسلامی نداشته ایم! به عنوان مثال در "مرحله نظام اسلامی" در حوزه امنیت و دفاع با استفاده از نظام سازی اسلامی بسیج به وجود آمد و با آن جنگ مدیریت شد و بعد این الگو را به لبنان و سوریه هم دادیم، ولی هنوز بر اساس نظام سازی اسلامی در بخش اقتصاد کار را جلو نبرده ایم. در مرحله دولت اسلامی باید در همه بخش ها نظام سازی اسلامی شود. پس ۵۰ درصد بحث ما در نقشه راه تعریف انقلاب است، پاسخ تفصیلی به اینکه انقلاب می خواهد چه کار کند. اولین فعالیت ما است. بخش دیگر کار این است که روی ۸۱ لازمه نظام سازی تفصیلی (مرحله دولت اسلامی) تولید مفهوم کرده ایم. ما وابستگی نظام سازی تفصیلی را به این ۸۱ مسئله اثبات و پاسخ و راه حل برای آنها را ارائه کرده ایم. یکی از این موضوعات ۸۱ گانه بانک سوالات الگوی پیشرفت اسلامی است. ما اگر بخواهیم نظام سازی اسلامی کنیم یک مانع همین طلسم یکسان انگاری است و این با پردازش اجتماعی سطح اول نظام سوالاتمان شکسته می شود. باید سوالات منطقی و مشخص داشت. با پردازش این سوالات نخبه ما متوجه می شود که باید برای چه چیزی پایان نامه بنویسد و استادما با سوالات جدیدی در دوران تحقیق و تدریس روبرو می شود.

یکی دیگر از موضوعات ۸۱ گانه نقشه راه، تبیین اثباتی شاخص های هویت اسلامی است. ما یک گزارش اولیه برای این شاخص ها آماده کردیم. در این گزارش به نحو محاسبه پذیر و تفصیلی - دقت کنید عرض نکردم به نحو کمی، چون مفهوم محاسبه یک مفهوم اعم است که می تواند شامل کمی شدن هم باشد- شاخصه های جامعه اسلامی را تبیین کرده ایم. البته ما بنا داریم سالیانه این گزارش را تکمیل کنیم ولی الان شامل ۳۰ شاخص است که تبیین آن گامی مهم برای مقابله با آفت یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی می باشد. وقتی شما با شاخص های هویت اسلامی آشنا می شوید قدرت محاسبه و تشخیص پیدا می کنید و در می یابید مسیر اداره کشور به سمت پیشرفت است یا به سمت توسعه. بسته شاخص های هویت

یک طرف داستان تلخ یکسان انگاری،  
جریانی است که حتی پیشرفت اسلامی  
را درک نکرده و طرف دیگر هم، جریان  
طرفدار الگوی پیشرفت اسلامی است که  
راجع به موضوع الگو کلی گویی می کند  
و برای مقابله با آفت بزرگ یکسان انگاری  
برنامه ای ارائه نمی کند.

دولت واگذار کرده است. این را بگذارید در کنار اظهارات آن مسئول محترم که می فرماید دولت معتقد به نگاه نهادگرایی است. آیا این غیر از یکسان انگاری است؟ به هر حال ما سال ۱۳۹۳ را با اولین پرچم فلاپی الگوی پیشرفت شروع کردیم و به نظر می رسد این روند تا آخر سال ۱۳۹۳ ادامه پیدا کند. با حرف های غربی ها و با بحث های کلی و شعار که نمی شود کشور را اداره کرد! من تعجب می کنم از معاونت راهبردی

ریاست جمهور که چرا در رابطه با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت شعار می دهد! این نقطه ضعف بارزی است که البته در کنار آن نقطه قوت کوچکی هم هست. برای این نقطه قوت کوچک هم باید تشکر کنیم؛ به نظر من قسمت مثبت قضیه و قسمت پر لیوان این است که دولت محترم یازدهم در حد گفتمانی ضعف های توسعه را قبول کرده است؛ اگرچه برای رفع آن کاری درخور ارائه نداده است. این لایحه ماهیتی کلی دارد که نمی توان آن را تبدیل به برنامه و اجرا کرد.

فراموش نکنید که جمع زیادی از کارشناسان تصمیم ساز کشور- که در بدنه وزارتخانه ها و معاونت برنامه ریزی حضور دارند- انسان هائی وفادار به انقلاب و متدین هستند. ولی ادبیات تصمیم سازی شان همین ادبیات توسعه است و تفاوتی میان توسعه غربی و پیشرفت اسلامی نمی بینند. در دانشگاه ها هم همین بحث ها تدریس می شود.

حال اگر این مسئله یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی را به عنوان آفت و خطر قبول کنیم، برای عبور از آن چه راه حلی وجود دارد؟ در گفت و گوی قبلی هم عرض کردم؛ این جا باز تکرار می کنیم: ما الگوی پیشرفت را نمی توانیم در یک جمع تدوین کنیم و آن را به سند تبدیل و سپس ابلاغش کنیم. اصلا با ابلاغ اتفاقی نمی افتد. الگوی پیشرفت یعنی تغییر نظام تصمیم سازی کشور در راستای جهت گیری انقلاب! سنخش اندیشه و گفت و گو است. باید عزم ملی ایجاد کنیم. شاید تلقی روزهای اول بعضی از جریان ها این بود که الگوی پیشرفت چیزی مثل سند چشم انداز است. حال آن که الگوی پیشرفت ماهیتا با سند چشم انداز متفاوت است. به نظر من مشکل اصلی کشور ما نظام تدبیر کشور است؛ مشکل در نظام تصمیم سازی کشور است. این نظام تصمیم سازی متأثر از توسعه غربی است؛ حال آن که باید در راستای جهت گیری انقلاب اسلامی برای مدیران ما تصمیم سازی کند.

به نظر من برای غلبه بر آفت نرم یکسان انگاری؛ باید اولاً از نگاه سند نویسی عبور کنیم و نگاه گفتمان سازی را الگوی برنامه ریزی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی قرار دهیم. در گام اول گفتمان سازی هم باید- منظورم لایه اول از حیث اهمیت است، زیرا ممکن است در کنار بقیه برنامه ها اجرا شود و ممکن است مقدم شود- یک سطح مهم از برنامه به «ارائه راه حل» برای شکستن طلسم یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی اختصاص داشته باشد. متأسفانه چون جریان های الگوی پیشرفت هنوز نتوانسته اند راه حلی برای مسئله یکسان انگاری ارائه دهند؛ وقتی گفتمان سازی هم می کنیم دوباره همان کارشناسان توسعه مباحث توسعه را به اسم پیشرفت اسلامی مطرح می کنند!

**کیهان فرهنگی: اگر مایل باشید مثلاً روی شاخص های پیشرفت اسلامی  
عینی تر صحبت کنیم، من می خواهم وارد کار خودتان شوم. یک مقدار در این**

اسلامی خودش شامل سه بسته بحث است. بسته اول "بسته شاخص‌های رفق" است. بسته دوم "بسته شاخص‌های رشد" است - مراد از رشد مفهوم قرآنی آن است؛ نه مفهوم روان‌شناسی و اقتصادی این لفظ - بسته سوم "بسته شاخص‌های توازن" است. خود گزارش این بسته‌ها یک جلسه طول می‌کشد که ان‌شاءالله در فرصتی به تفصیل عرض خواهم کرد.

### کیهان فرهنگی: با توجه به محدودیت فرصت برای شرح فعالیت‌های شما در مورد بحث اول که مربوط به جریانات مدعی تولید الگوی اسلامی پیشرفت بود اگر جمع بندی خاصی دارید بفرمایید.

**حجت‌الاسلام کشوری:** تمه مختصری راجع به همان موضوع اول عرض کنم؛ چون امسال به نظر ما یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی تشدید می‌شود دو کار را می‌شود برای مقابله با این آفت خطرناک انجام داد: اول اینکه تلاش کنیم تمیز میان توسعه

غربی و پیشرفت اسلامی در ذهن مدیران و نخبگان گسترش یابد. تلاش برای الصاق پیوسته‌های خانواده، عدالت و پیش‌گیری از جرم به برنامه ششم کشور می‌تواند زمینه‌ساز این مسئله باشد. به نظر من اگر این کار نشود برنامه ششم - به روال برنامه‌های قبل - متناسب با ادبیات توسعه شکل می‌گیرد! و این در حالی است که کشور را نمی‌توان با ترجمه و کپی برداری اداره کرد.

دومین پیشنهادم راه اندازی بانک سؤالات جمهوری اسلامی است. همانطور که عرض کردم: با پردازش سؤالات این بانک، هدایت نظامات ذهنی در راستای پیشرفت اسلامی گسترش می‌یابد. به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌دهم تا طرح مدون بانک سؤالات را در کمیسیون فرهنگی بررسی نمایند. اگر این نظام سؤالات داشته باشیم می‌توانیم جهت‌گفت‌مان جامعه را به سمت تحقق شاخص‌های هویت اسلامی - با همین ظرفیت‌های علمی و با استفاده از همین دانشگاه‌های موجود - هدایت کنیم. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی پردازش ۸۱ مسئله زمینه تفاهم و تحقق الگوی پیشرفت اسلامی را فراهم می‌آورد؛ که یکی از مهمترین این موضوعات مسئله "بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی" است. البته نظریه‌های "بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت" و "پیش‌گیری بنیادین اسلامی از جرم" و "بنگاه‌های وقف محور" هم می‌توانند مبنای مقابله با یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی و مبنای طراحی پیوسته برای برنامه ششم [۵] باشند.

حرف آخر هم این است که خدا نکند آخر سال ۱۳۹۳ وقتی می‌خواهیم کارنامه گفت‌مان سازی برای الگوی پیشرفت اسلامی را ارزیابی کنیم؛ ببینیم محصولاتی تولید شده که اسم الگوی پیشرفت اسلامی را یدک می‌کشند ولی ماهیت توسعه غربی را طرح می‌کنند! والسلام علی من اتبع الهدی

پی نوشت:

[۱]. یک مسئله هم مسئله جمعیت است که حالا سیاست‌های جمعیت ابلاغ

ما اگر بخواهیم نظام سازی اسلامی کنیم یک مانع همین طلسم یکسان‌انگاری است و این با پردازش اجتماعی سطح اول نظام سؤالاتمان شکسته می‌شود. باید سؤالات منطقی و مشخص داشت. با پردازش این سؤالات نخبه ما متوجه می‌شود که باید برای چه چیزی پایان نامه بنویسد و استادما با سؤالات جدیدی در دوران تحقیق و تدریس روبرو می‌شود.



شد؛ خوشبختانه مسئولین هم تجاوب کردند به این سیاست‌های جمعیت. شنیدم در مجلس هم طرحی در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت وجود دارد؛ این بسیار مهم است.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی - ۴/۰۳/۱۳۹۳  
[۲]. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) ماده ۲ - دولت موظف است بر اساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نظامنامه پیوست فرهنگی که تا پایان سال اول برنامه به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رسد نسبت به تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم و جدید اقدام نماید.

تبصره - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور که در این قانون به اختصار «معاونت» نامیده می‌شود، در ابتدای هر سال عناوین طرح‌های مهم موضوع این ماده را تهیه و به دستگاه‌های ذی‌ربط جهت اجراء ابلاغ می‌نماید.

[۳]. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) ماده ۱ - دولت موظف است با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی - ایرانی» که مستلزم رشد و بالندگی انسانها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزشهای اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد.

تبصره - دبیرخانه تهیه این الگو در قوه مجریه مستقر خواهد بود و رؤسای قوای سه‌گانه کشور موظفند با اتخاذ سازوکارهای لازم در هر قوه به فرآیند تهیه آن کمک کنند.

[۴]. ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرایط خودشان، با مبنای ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را میگویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد - ۲۵/۰۲/۱۳۸۶

[۵]. در مورد برنامه ششم که در واقع باید آماده بود برای اینکه این برنامه ششم تهیه بشود، فراهم بشود و بیاید. برنامه ششم یعنی سیاست‌های پنج سال کشور تدوین خواهد شد؛ شما نقشه‌ی راه عملی برای پنج سال کشور را در این برنامه ششم ان‌شاءالله تدوین خواهید کرد. سه نقطه‌ی اصلی - البته برنامه باید جامع باشد - وجود دارد: یکی اقتصاد است که تکیه روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلی پیدا کند. یکی مسئله‌ی فرهنگ است؛ هر جا میگویم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزشهای اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی؛ تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنت‌های اسلامی؛ فرهنگ این است. این جور نیست که به هر شکلی ابزارهای فرهنگی در کشور به وجود آمد، ما خوشحال بشویم که بله، فرهنگ پیشرفت کرده؛ نه، پیشرفت فرهنگ و تکیه‌ی روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی است، فرهنگ اسلامی است، فرهنگ دینی است، تقویت ارزشهای انقلابی و اسلامی است؛ این مراد ما است و این آن چیزی است که مورد انتظار از من و شما - به عنوان سربران این انقلاب - است که باید سینه‌مان را سپر کنیم و برای انقلاب کار کنیم. و سوم علم؛ حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمدالله در این سالها، در این ده دوازده سال حرکت خوبی در کشور به وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید کند بشود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملی و بخش مهمی از عزت ملی و بخش قابل توجهی از ثروت ملی به برکت علم به دست می‌آید؛ مسئله‌ی علم و تحقیق و پیشرفت در بخش‌های گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته‌ی دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم ان‌شاءالله باید در برنامه مورد توجه قرار بگیرد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی - ۴/۰۳/۱۳۹۳